

چگونه یک دیکتاتور موفق باشیم؟



کتاب «خودآموز دیکتاتورها» اندرزنامه‌ای است درباره‌ی چگونگی رسیدن به قدرت سیاسی و حفظ قدرت به شیوه‌ی یک دیکتاتور. کتاب مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هاست که با مطالعه و شناخت آن‌ها، می‌توان به سازوکارهای تلخ و بی‌رحمانه‌ی نظام‌های دیکتاتوری پی بُرد.

نظام‌های دیکتاتوری هنوز با ما هستند و هم‌چنان صدها میلیون تن را در جای‌جای کره‌ی خاکی در زیر سیطره‌ی خود دارند. نظامیان، پوپولیست‌ها (عوام‌فریب‌ها)، سیاستمداران جاه‌طلب، و حتی منتخبان مردم به شکلی مستمر در تلاش‌اند تا خواسته‌های خود را به مردم کشورهاشان تحمیل کنند.

کتاب خودآموز دیکتاتورها در قالب مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها، به کالبدشکافی نظام‌های دیکتاتوری می‌پردازد و چگونگی کارکرد این نوع نظام‌های حکومتی را بر ملا می‌کند. کتاب از فلسفه‌پردازی و نظریه‌پردازی درباره‌ی نظام‌های دیکتاتوری خودداری می‌کند و با زبانی ساده و همه‌فهم برایمان شرح می‌دهد که دیکتاتورها چگونه قدرت خود را به دست آورده و چگونه آن را حفظ می‌کنند.

هدف اصلی نویسندگان این است که «تاکتیک‌ها [ی مورد استفاده‌ی دیکتاتورها] روزی چنان رسوا شوند که دیگر کارایی نداشته باشند» و کتاب در اصل تقدیم شده است «به تمامی کسانی که به واسطه‌ی تاکتیک‌هایی مشابه آن‌چه در این کتاب آمده، آزار دیده و کشته شده‌اند». اما کتاب این مسیر را با جدیتی طنزآلود طی می‌کند؛ گویی به راستی در حال مشورت دادن است به کسی که می‌خواهد دیکتاتوری موفق باشد.

زین پس قصد داریم تا در مجله‌ی دیدار، برش‌های متعددی از کتاب را نقل کنیم و رازهای عرصه‌ی دیکتاتوری را کشف نماییم.



«اجازه دهید از همه‌ی دیکتاتورهای جهان نیز که با اعمال و رفتارشان به پُربارتر کردنِ این کتاب یاری رساندند، تشکر کنیم... هم‌چنین ذکر این نکته ضروری است که دیدگاه‌های بیان‌شده در این کتاب صرفاً از آن نویسندگان کتاب است. این کتاب هیچ قضاوتی درباره‌ی این که چه کسی دیکتاتور است و چه کسی دیکتاتور نیست، نمی‌کند. اگر اسمِ حضرت‌عالی در این کتاب به عنوان کسی که برخی روش‌های دیکتاتورها را به کار بسته ذکر شده است، لطفاً اراذل و اوباش تحتِ امرتان را برای لت و پار کردنِ ما نفرستید و در عوض، تشکر صمیمانه‌ی ما را به خاطر غنا بخشیدن به محتویات این کتاب، پذیرا باشید.»

مقدمه‌ی نویسندگان کتاب

دوست داری دیکتاتور بشوی؟ چرا که نه؟ از فرصت‌ها درست استفاده کن و صاحبِ این بهترین شغلِ روی زمین شو. کمی درباره‌اش فکر کن: آیا چیزی دوست‌داشتنی‌تر از قدرتِ بی‌حدوحصر، منابع اقتصادی نامحدود و لذتِ سرکوبِ مخالفانِ سراغ‌داری؟ چه صبحی خوش‌بوتر و فرحناک‌تر از صبحِ روزی که می‌دانی همه‌ی مخالفانِ ات را خوار و ذلیل کرده‌ای یا به درکِ فرساده‌ای و ثروتِ کشورت کاملاً در اختیارِ شخصِ توست؟ تنها تصمیم‌گیرنده خواهی بود، حرفِ حرفِ توست و تا میلِ مبارکات نباشد هیچ کاری انجام نمی‌شود! آیا این حس خوبی نیست که مردمِ کشورت تو را خداگونه بپرستند و احترام کنند؟ البته که هست!

اما ساده‌لوح نباش! دیکتاتور شدن اصلاً کار آسانی نیست. تادات بخواهد دشمن و بدخواه داری، باید تصمیم‌های مشکل‌بگیری، و کل جهان با دقتِ زیاد، هر حرکتِ تو را زیر نظر دارد. اما در عوض، تو هم الگوهای مؤثر فراوانی در دست داری که می‌توانی از آن‌ها به عنوان راهنما و چراغِ راهت استفاده کنی... پس چرا از یک خودآموز، یعنی جزوه‌ی راهنمای عملی، برای الگوگرفتن و یادگیریِ روش‌های اعمالِ دیکتاتوری استفاده نمی‌کنی؟ لابد می‌پرسی مگر چنین خودآموزی وجود دارد؟ در جوابات می‌گوئیم، بله واقعاً وجود دارد؛ اتفاقاً الآن آن را در دست داری و مشغول خواندنِ مقدمه‌اش هستی. دیکتاتور جوان، این خودآموزِ گام‌به‌گام را بخوان، به توقول می‌دهیم اگر دستورالعمل‌هایش را خوب بفهمی و اجرا کنی، تو هم طعمِ شیرینِ قدرت را خواهی چشید.

«تو بی‌همتایی!»

این را به یاد داشته باش: تو از همه مهم‌تر، قوی‌تر و باصلاحیت‌تری. همه‌ی دیکتاتورهای تاریخ، مرده و زنده، دارای این اعتماد به نفسِ مشترک بوده‌اند: تو، فقط تو، می‌توانی کشورت را رهبری کنی و مردمِ کشورت با رهبریِ هر فرد دیگری به خاک سپاه خواهند نشست. به عبارت دیگر، کمی خودبزرگ‌بینی خیلی به کارت می‌آید.

یاد بگیر چگونه برای خودت تبلیغ کنی، زیرا تا زمانی که مردمِ کشورت پی نبرده باشند که تو چه آدم بزرگی هستی، نمی‌شود توقع داشت که مطیعِ امرِ تو باشند. تو باید زمینه‌ی لازم را فراهم کنی تا کارهای تبلیغاتی‌ات مؤثر از کار درآید. این زمینه‌سازی نیاز به مهارت‌هایی دارد که فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

• بگو: «ملت! به خاطر شماست که دارم رنج می‌کشم»

اگر عکس و تصویرت همه جا هست و هر روز و هر شب بر صفحه‌ی تلویزیون هستی، تقصیر تو نیست: مردمِ کشورت به تو نیاز دارند و تو تنها فردی هستی که صلاحیتِ رهبریِ کشور را دارد. آلفردو

(۱) فصل ۲ کتاب.

(۲) اگرچه کتاب «خودآموز دیکتاتورها»، تاکتیک‌های مختلف مورد استفاده در این زمینه را بازگویی و با بیانی کتابی، تحلیل کرده و به نقد و شفافیت موضوع یاری می‌رساند اما نباید از ریشه‌های عمیق اقتصادی و نقش سیاست‌بین‌الملل در این عرصه غافل ماند و سهم کشور‌های اصطلاحاً توسعه‌یافته در استقرار دیکتاتوری در بسیاری از کشورهای جهان سوم را نادیده گرفت. به عنوان مثال، کودتا علیه رئیس‌جمهور شیلی (سالوادور آلنده) و استمرارِ نظام دیکتاتوری پینوشه در این کشور، با حمایت مستقیم آمریکا صورت گرفت. این که چگونه و به چه شکل، کشوری دموکراتیک مانند آمریکا (با رکورد حمایت از ۵۰ کودتا در کشورهای مختلف بعد از جنگ جهانی دوم)، عامل نابودی دموکراسی و مولدِ نظام‌های دیکتاتوری می‌گردد، ما را بر آن می‌دارد که از بذله‌گویی‌های رایج درباره‌ی شیوه‌های نخبه‌های دیکتاتورهای جهان سومی عبور کرده و به تحلیل‌های عمیق‌تر و پیچیده‌تر درباره‌ی رابطه‌ی کشورهای دموکراتیک توسعه‌یافته (سرمایه‌داری) با نظام‌های دیکتاتوری بپردازیم.

(*) جهت مطالعه‌ی بیش‌تر ر. ک به:

Killing Hope: US military and CIA interventions since World War II, William Blum, Zed Books, London, 2003.

و نیز کتاب «گرامی‌داشت دموکراسی»، جان تیرمن، ترجمه‌ی لطف‌الله میثمی، انتشارات صمدیه.